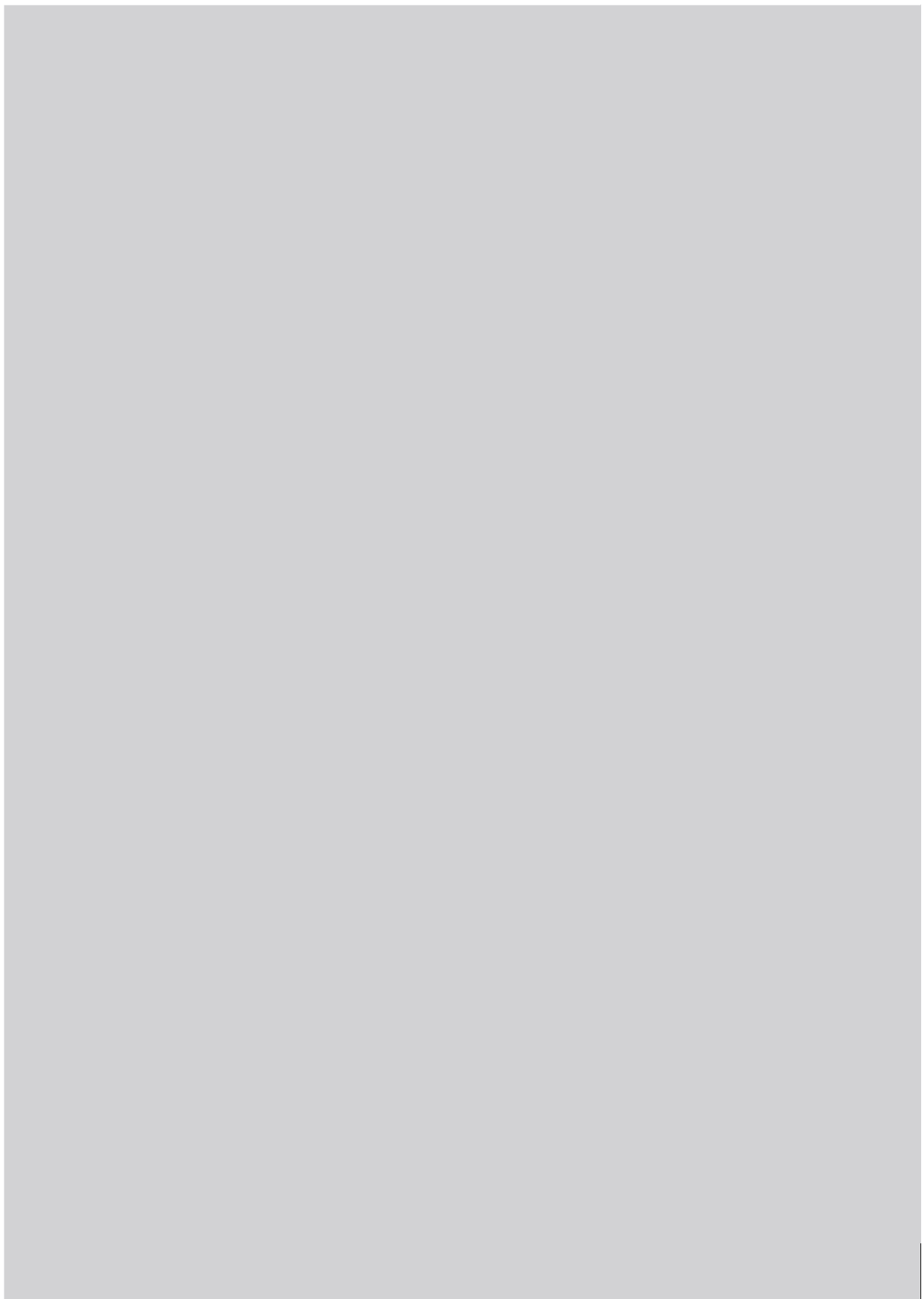


خلاصه کتاب



راهنمایی بر ادبیات ارزیابی و پایش تأثیرات
اجتماعی

تهیه و تنظیم: زنده یاد پوریا هادیان



خلاصه کتاب

راهنمایی بر ادبیات ارزیابی و پایش تأثیرات اجتماعی

تهیه و تنظیم: زنده یاد پوریا هادیان

کارشناس فرهنگی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری همدان

pourya.hadiyan@gmail.com

چکیده

کتاب «راهنمایی بر ادبیات ارزیابی و پایش تأثیرات اجتماعی» را مایکل جی. کارلی (پژوهشگر و مشاور برنامه‌ریزی در حوزه تحلیل سیاست‌گذاری و ارزیابی تأثیرات اجتماعی) و ادوارد اس. باستلو (مدیر دفتر طرح و برنامه یونیسف در برزیل) نوشته‌اند و آن را انتشارات همشهری با برگردانی از امیر خرمی عرضه کرده است. این کتاب در راستای سیاست‌های کلی دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و با هدف فراهم‌آوری منابع و متون مهم در حوزه مطالعات شهری و پژوهش‌های اجتماعی برای پژوهشگران و دانشجویان در دسترس قرار گرفته است.

کتاب حاضر مروری منظم و انتقادی بر بیش از ۶۰۰ عنوان اثر منتشرشده درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) و حوزه‌های مربوط به آن است. مطالب این کتاب طوری طراحی و سازمان‌دهی شده است تا برای دانشجویان، مدرسان دانشگاه، سازمان‌دهندگان دوره‌های کوتاه‌مدت و شاید از همه مهم‌تر برای کارمندان دولت، مشاوران و دیگر دست‌اندرکاران و عاملان حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی، استفاده عملی مستقیم داشته باشد. این اثر مبتنی بر این فرض است که اتا بیش از آنکه صرفاً نوعی فن تحلیل باشد، پاسخی منطقی و به‌موقع به نیاز مداوم و روزافزون به اطلاعات کامل، باز و مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری است. نویسندگان این اثر معتقدند که اتا به عنوان پاسخی به مسئله تصمیم‌گیری، خود مشتق از گستره گوناگونی از رشته‌ها است و به همین دلیل کوشیده‌اند بیش و پیش از همه از منظری بین‌رشته‌ای به امور، مسائل و روش‌های مربوط به اتا بنگرند. در سراسر کتاب تأکید بر آن است که پیشرفت ارزیابی تأثیرات اجتماعی به عنوان یک حوزه مربوط به مسائل سیاسی و روش‌شناختی، در گرو ظرفیت این حوزه در تلفیق و استفاده عملی از منابع مربوط به گستره وسیعی از رشته‌ها است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات اجتماعی، فن تحلیل، تصمیم‌گیری و مطالعات میان‌رشته‌ای.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی

طی دهه گذشته و به ویژه چند سال اخیر، علاقه‌ای روزافزون به تلاش برای سنجش اثرات اجتماعی و محیط‌زیستی منابع جدید و پیشرفت‌های صنعتی شکل گرفته است. این علاقه از دل واکنشی زاده شده که علیه نوعی اتکای بیش از حد بر معیار اقتصادی به عنوان ابزار سنجش مفهوم مبهم اما واقعی «کیفیت زندگی» صورت گرفت. پایدارترین و مرئی‌ترین نتایج این واکنش به آنچه برچسب «بی‌فرهنگی اقتصادی» خورده است، عبارتند از: جنبش محیط‌زیستی و جنبش شاخص‌های اجتماعی. هر دو اینها بر این پیش‌فرض استوارند که چشم‌اندازی بیش از حد اقتصادی نسبت به تغییر، توسعه و رشد اقتصادی فن‌آورانه، عوامل مهم اجتماعی و محیط‌زیستی و تأثیرات ناخواسته کنش‌های انسانی را نادیده می‌گیرد. علاقه به ارزیابی عوامل اجتماعی - محیط‌زیستی مرتبط با پروژه‌های معین در قالب واکنشی علیه نقایص فنون سنتی ارزیابی به وجود آمد. به نظر می‌رسد که این فنون سنتی در قضاوت درباره شایستگی پروژه‌ها بیش از حد بر معیارهای اقتصادی تأکید می‌کردند. یکی از نتایج رفتن به سمت جنبش محیط‌زیستی، قانون‌گذاری به نفع نوعی فرآیند ارزیابی تأثیرات زیست محیطی (اتز) بود که آگاهی سیاسی از مسائل محیط‌زیستی مورد اختلاف را تأمین کرد. همچنین اسلوب‌ها و قوانینی که به نفع اتز به تصویب رسید، عموماً ایجاب می‌کردند که پیش از تأیید تصمیم‌هایی که مربوط به پروژه هستند، تأثیرات بدیل و محیط‌زیستی پروژه در نظر گرفته شوند.

فشار از سوی جنبش محیط‌زیستی به تصویب قانون سیاست‌گذاری محیط‌زیستی ملی در کنگره ایالات متحده در سال ۱۹۶۹ منجر شد. انگیزه اصلی این مصوبه، شفاف‌سازی و بنابراین کمک به کاهش تخریب محیط‌زیست فیزیکی به کمک توسعه جدید بود. پیش‌بینی شده بود که الزامات قانونی مندرج در نیپا^۱ از راه یک فرآیند پژوهشی (اتز) برآورده شود که به نوبه خود به ارائه گزارش‌هایی منجر می‌شد که اظهارنامه‌های تأثیرات محیط‌زیستی (اتز) نامیده می‌شد. در تلاش برای فراهم آوردن چشم‌اندازی جامع، تأکید بر جنبه‌های زیست-فیزیکی توسعه به تأکید بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی نیز گسترش یافت. با این حال اظهارنامه‌های تأثیرات محیط‌زیستی منتج از این تلاش‌ها، در عین اینکه بیش از پیش از حیث تحلیل زیست-فیزیکی پخته‌تر می‌شدند، در استفاده از دانش اجتماعی در فرآیند اتز ناکام ماندند. این امر به نوبه خود موجب شکل‌گیری ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) شد که در آن تمرکز بیشتر بر جنبه‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی است تا جنبه‌های زیست-فیزیکی، تا به این ترتیب به جنبه‌های یادشده توجهی درخور شده باشد.

طبق تعریف، اتا کاری را قرار است انجام دهد که دیگر فنون انجام نمی‌دهند.

1. The National Environmental Policy Act (NIPA)

ارزیابی تأثیرات اجتماعی، نوعی فن مختلط است که باید همه آن تأثیرات مهم اما اغلب نامحسوسی را که در انواع دیگر تحلیل مغفول مانده‌اند، به فرآیند تصمیم‌گیری بکشاند. هرچند هم‌اتا و هم‌اتز، هر دو میراثی مشترک و برخی وظایف یکسان دارند، بیش از پیش به عنوان فعالیت‌هایی کاملاً متفاوت تلقی می‌شوند. این تفاوت تلقی، بازتاب موضوع مطالعه متفاوت آنها - که یکی به موضوعات زیست‌فیزیکی می‌پردازد و دیگری بر موضوعات اجتماعی - اقتصادی متمرکز می‌شود - است.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی: کدام تأثیرات؟

اتما می‌کوشد روند مطالعه تأثیرات طبیعی یا زیست-فیزیکی و محیط‌زیستی را با اطلاعات تأثیرات اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی که ممکن است مربوط به یک پروژه، سیاست یا برنامه جدید باشد، تکمیل کند. این تأثیرات یا تغییرات در شرایط زندگی مشتمل است بر: تغییرات عوامل روان‌شناختی و فیزیولوژیکی، فرآیندهای اجتماعات محلی و تغییرات در تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات.

ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی، فرآیندی مشابه دارند و معمولاً مراحل زیر را شامل می‌شوند:

ایجاد یک پایگاه داده که موقعیت موجود را توصیف می‌کند.

ایجاد ابزار توصیف تغییرات مربوط به پروژه

پیش‌بینی تغییرات در موقعیت پایه با و بدون پروژه مورد نظر که خود شامل جنبه‌های کمی و کیفی است.

بخش اعظم فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی مشتمل است بر پایگاه عینی داده‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی و جمعیت‌شناختی و احتمالاً داده‌های ذهنی که از راه مصاحبه با مردم، کارشناسان و سیاست‌مداران جمع‌آوری می‌شود.

اتادار زمینه‌ای سیاسی

طی سالیان اخیر در حوزه اتا، مناقشات بسیاری بر سر نقش فرضی آن در فرآیند تصمیم‌گیری وجود داشته است. یکی از مکاتب اندیشه، اتا را نوعی عمل پژوهش اجتماعی می‌بیند که هدفش، پیش‌بینی آثار ناشی از تغییر از راه کاربست مهارت‌های رشته‌های مختلف دانشگاهی نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و... است. به عبارت دیگر، تأمین اطلاعات مورد نیاز برای روشن کردن جوانب مختلف تصمیم‌ها، با این حال افراد دیگر، مهم‌ترین وظیفه اتا را بسیج مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌دانند. یعنی نوعی نقش مشارکتی برای آن قائلند. نظرات و واکنش‌های دست‌اندرکاران این حوزه مطالعاتی و دیگر افراد درگیر با پروژه، برای رسیدن به فهمی از داده‌های عینی حاصل از پژوهش اجتماعی، حیاتی‌اند. چنین نظرات و واکنش‌هایی، نه به عنوان نوعی رویه روابط عمومی، بلکه برای تضمین

مشارکت هماهنگ عموم در فرآیند ارزیابی جمع‌آوری می‌شوند که به معنی نوعی جریان دوسویه اطلاعات و تعامل میان عموم و سازمان توسعه‌دهنده یا دولتی است. مشارکت عمومی همچنین به همه بازیگران عرصه تصمیم‌گیری کمک می‌کند تا به عوامل متعدد موجود در مسئله ارزیابی، اولویت و جهت مثبت یا منفی ببخشند و نسبت به همه آنها حساسیت به خرج دهند. از همه مهم‌تر، مشارکت عمومی به بحث‌های داغ عمومی دامن می‌زند و این امر به تصمیم‌های سیاسی سالم منجر می‌شود.

مسائل دیگر در ارزیابی تأثیرات

برخی می‌گویند که مشکل اصلی اتا و اتز فقط این است که این فنون جلوی توسعه بیشتر را می‌گیرند، نسبت به آینده بیش از حد بدبین هستند و عموماً پیشرفت را کُند می‌کنند. درست است که اطلاعات حاصل از این ارزیابی‌ها، همه مواضع را راضی نمی‌کنند، ولی به سختی بتوان آنها را از حیث مفهوم، بازدارنده و مانع پیشرفت و توسعه دانست. درباره بدبینی و پیشرفت باید در نظر داشت که بدبینی یک نفر، شکایت سالم نفر دیگر است و به طور کلی تعیین سرعت بهینه پیشرفت به تعریف شخص از پیشرفت بستگی دارد.

مسئله دیگر، نحوه تلفیقی و برقراری تعادل میان انواع تأثیرات است: محیط‌زیست اجتماعی، اقتصادی و طبیعی. تا به امروز به مسئله تلفیق داده‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در ادبیات ارزیابی، توجه کمی مبذول شده است، اما وقتی تصمیم‌گیرندگان دریابند که تحلیل جنبه‌های بیشتر یک طرح توسعه به معنای گزارش‌ها و داده‌های بیشتر است، احتمالاً به خوبی مسئله را لمس خواهند کرد. سرانجام یکی از مسائل مشترک میان ارزیابی تأثیرات اجتماعی و علوم اجتماعی این است که روش‌شناسی پیش‌بینی و الگوسازی اجتماعی در بسیاری از موارد ضعیف است. در ارزیابی عملی تأثیرات اجتماعی، این مسئله به معنی فقدان یک نظم روش‌شناختی معین و وجود نوعی رویکرد پروژه به پروژه خلق‌الساعه است که البته این مزیت ظاهری را دارد که هر ارزیابی (در حالت ایده‌آل) به تناسب نیازهای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در رابطه با یک پروژه معین صورت می‌گیرد. با این حال این حُسن ممکن است تحت‌الشعاع چهار عیب احتمالی قرار گیرد:

فقدان روش‌شناسی منظم ممکن است داوری‌های ارزشی تلویحی را که به هیچ‌وجه بازتاب اجماع سیاسی طرف‌های درگیر نیستند، از نظر پنهان کند. فقدان نظم روش‌شناختی، تلاش برای بهبود وضعیت ارزیابی تأثیرات از راه کاربرد منظم روش‌های تجربی درحوزه‌های دشواری چون پیش‌بینی تأثیرات یا جداسازی متغیرهای جمعیت‌شناختی برون‌زا را دشوار می‌کند. فقدان روش‌شناسی منظم، مقایسه پروژه‌ها یا ارزیابی‌های تأثیرات اجتماعی مختلف را دشوار می‌کند.

به این ترتیب تلفیق رویکردهای بالقوه مهم از رشته‌های مختلف با رویکرد ارزیابی تأثیرات اجتماعی، دشوار می‌شود. دلیل اصلی این وضعیت این است که بیشتر مطالعات ارزیابی بیش از آنکه لازم باشد به توسعه روش‌شناختی بپردازد، باید به نیازهای فوری سیاست‌گذاران پاسخ گوید. این واقعیت به این معناست که ارزیابی‌های تأثیرات اجتماعی پروژه‌محور به مکمل ارزشمند پژوهش دانشگاهی بلندمدت نیاز دارد.

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارزیابی تأثیرات

ارزیابی تأثیرات اجتماعی فقط یک کار فنی نیست، بلکه نوعی تحلیل سیاست‌گذاری و فعالیت برنامه‌ریزی مربوط به فرایندها و تصمیم‌های سیاسی است. اتخاذ چنین چشم‌اندازی، گامی مهم و ضروری در تکامل حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی است. ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی بر دو فرض ساده استوارند: آینده را می‌توان با پایایی کافی حدس زد و به این خاطر در نظر گرفتن تغییرات بالقوه‌ای که ممکن است در اثر اجرای برنامه‌ها، پروژه‌ها یا فن‌آوری جدید حاصل شوند، مفید است. سیاست‌گذاران این نوع ارزیابی را درک خواهند کرد و از راه اصلاح تصمیم‌های خود به آن پاسخ خواهند داد.

اتا در یک زمینه سیاست‌گذارانه

به یاد داشتن این نکته که تصمیم‌گیری شامل سه عنصر مهم و به هم پیوسته است، بسیار مفید خواهد بود. این عناصر، موارد زیر را در برمی‌گیرد: عنصر تضاد ارزشی شامل عرضه ارزش‌های مربوط به مجموعه ناهمگون و چندگانه‌ای از اهداف و مقاصد است. این عنصر نتیجه انسانی طبیعی تنوع تضادها و ارزشی در جامعه در زمینه وسایل رسیدن به یک زندگی بهتر است. ابزار حل و فصل تضادهای ارزشی شامل کنترل اطلاعات، مذاکره، چانه‌زنی، بحث و سازگاری متقابل است. آنجا که اتا به عنوان یک فعالیت برنامه‌ریزی به طریقی درگیر تضاد ارزشی می‌شود، نقشی آشکارا سیاسی می‌یابد. عنصر دیوان‌سالارانه یا اداری که مشتمل است بر فعالیت‌های روزمره‌ای که برای ساده‌سازی محیط تصمیم‌گیری و دوری از تضاد انجام می‌شود. عنصر تحلیلی یا عقلانی. در تفکر اقتصادی، عقلانی بودن به معنای انتخاب از بین گروهی از کنش‌های بدیل است، به طوری که کنش یا کنش‌های انتخابی، به ازای یک ورودی معین، حداکثر خروجی را موجب شوند یا به ازای یک خروجی معین، حداقل ورودی را طلب کنند. یک ارزیابی تأثیرات اجتماعی خوب همچون یک تحلیل سیاست‌گذاری خوب در کل، این ماهیت سه‌وجهی و تعاملی فرآیند سیاست‌گذاری را کاملاً در نظر می‌گیرد.

کمی سازی اطلاعات اجتماعی

یکی از مسائلی درونی اکثر انواع تحلیل سیاست‌گذاری، نیاز به برقراری ارتباط میان اطلاعات کمی و اطلاعاتی است که قابلیت تبدیل به این نوع را ندارند. در پژوهش‌های شاخص اجتماعی، همین مسئله به تمایز میان شاخص‌های عینی و ذهنی دامن می‌زند. خود ارزیابی تأثیرات اجتماعی تاحدی از این امر سرچشمه گرفت که دیگر فنون نمی‌توانستند به اندازه کافی عوامل ناملموس اجتماعی را در تحلیل خود بگنجانند. علاوه بر این میان مسائل حاصل از داده‌های جمع‌آوری شده و خطرات ناشی از حجم اضافی اطلاعات، تنشی دائمی وجود دارد. شکی نیست که اطلاعات را می‌توان از راه کمی سازی متمرکز و فشرده کرد و تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اغلب هر جا که ممکن باشد، داده‌های کمی را ترجیح می‌دهند. هر چند هیچ منبای منطقی وجود ندارد که به داده‌های کمی «سخت» این امکان داده شود تا داده‌های کیفی «نرم» را از میدان به در کنند، این «کمی‌گرایی» همچنان اتفاق می‌افتد. علت ساده این اتفاق‌ها این است که سنجش کمیت‌ها و تغییرات آن‌ها در مقایسه با سنجش کیفیت‌ها ساده‌تر است. درباره عواملی هم که پذیرای کمی شدن هستند، مشکلات گوناگونی وجود دارد. نخست اینکه بسیاری از شاخص‌های تغییرات بر روابط علت و معلولی ضعیفی استوارند که بازتاب فقدان کلی توسعه نظری مربوط به سیاست‌گذاری اجتماعی و محیط‌زیستی است. مشکل دوم این است که انبوهش (۱) داده‌ها مستلزم آن است که شاخص‌های مختلف، نر مالیزه (عادی سازی) شوند یا همگی به یک منجر مشترک نسبت داده شوند تا بتوان آنها را با یکدیگر مقایسه و مقابله کرد. سرانجام اگر اطلاعات کمی، مترکمی سازی نشوند و به همان شکل پراکنده باقی بمانند - برای مثال سر و صدا در یک گزارش محیط‌زیستی - در آن صورت ارزیابی معنای یک تغییر معین در شاخصی که برای افراد درگیر در مسئله در نظر گرفته شده، دشوار خواهد بود. یکی از پاسخ‌های اصلی به مسئله کلی کمی سازی و ارزیابی معنای تغییر اجتماعی عبارت بوده از کوشش برای ترکیب درجات اولویت ذهنی با فنون عقلانی با استفاده از شکلی از تحلیل بی‌تفاوتی^۱. راه دوم مواجهه با تأثیرات کمی، استفاده از تحلیل حساسیت^۲ است تا به این ترتیب حد بالا و پایین یا بهترین و بدترین مشخص شود، برآورد تأثیرات انجام گیرد و آنگاه تأثیر برخی سناریوهای بالقوه بر گزینه‌های سیاست‌گذاری نشان داده شود.

روش‌شناسی‌ها و رویکردهای عمومی به ارزیابی تأثیرات اجتماعی

با توجه به ماهیت نامتعیّن زندگی اجتماعی - سیاسی، ساده‌انگارانه خواهد بود اگر فرض بر آن باشد که کوشش‌های صورت پذیرفته در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی بتوانند به پیش‌بینی اجتماعی به صورت صد درصد علمی دست یابند.

1. Indifference Analysis
2. Sensitivity Analysis

روش‌شناسی اتا باید برای روشن ساختن گزینه‌های سیاسی و کمک به انتخاب آنها طراحی شود، نه پیش‌بینی آینده. روش‌شناسی اتا باید رویکردی نظام‌مند و منظم را نسبت به بررسی مسائل توسعه ایجاد کند. این امر به دلیل بحث‌برانگیز بودن مسائل سیاست‌گذاری، میزان زیاد داده‌های درگیر و نیاز به ساده‌سازی واقعیت پیچیده برای تصمیم‌گیرندگان پر مشغله، اهمیت دارد. روش‌شناسی اتا همچنین به تعریف مسئله - یا ایجاد یک فضای تصمیم‌گیری - که اولین و تقریباً مهم‌ترین گام در تحلیل تأثیرات به شمار می‌رود و نیز به برآوردن نیازهای اطلاعاتی همه طرف‌های درگیر در سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

روش‌شناسی اتا ممکن است به شکل عمومی طراحی شود؛ یعنی به صورتی که درباره موقعیت‌های مختلف قابل کاربرد باشد یا ممکن است به طور خاص برای یک موقعیت خاص طراحی شود. هر کدام از دو حالت بالا که مطرح باشد، عوامل زیر باید در نظر گرفته شوند: مقتضیات داده‌ای، امکانات مربوط به منابع، کمی‌سازی و کیفی‌سازی، انبوهش‌زدایی (۲) داده‌ها، احتمال وقوع تأثیر، اهمیت تأثیرات، تحلیل حساسیت، سنجه‌های استحکام، ساختار سلسله‌مراتبی، مفروضات ارزشی، سنجه‌های تعدیل، انتقال‌پذیری، مباحثات عمومی، فهم علمی و اعتبار.

از منظری روش‌شناختی، اگر یک مانع اصلی بر سر راه پیشرفت اتا وجود داشته باشد، آن فقدان توجه به «آزمون معطوف به گذشته» در خود ارزیابی‌ها است. چنین آزمون‌هایی به بررسی اعتبار، ساختار و صحت الگوهای پیش‌بینی‌کننده اتا در مقایسه با رویدادهای واقعی کمک می‌کند. دلیل این بی‌توجهی، بی‌گمان تا اندازه‌ای نهادی است، به طوری که بسیاری از پژوهشگران اتا بیش از آنکه به خودی خود الگوساز باشند، برنامه‌ریز هستند و مراجعان ایشان معمولاً عبارتند از کسب‌وکارها و دولت‌ها با نیاز فوری به اطلاعات حاصل از ارزیابی تأثیرات اجتماعی.

ارزیابی تأثیرات شهری و اجتماع محلی و گروه‌های اقلیت

یکی از اشکال مهم ارزیابی تأثیرات، بر شهرها یا اجتماعات یا محله‌ها یا گاهی اقلیت‌هایی چون مهاجران یا افراد بومی (مثلاً سرخپوستان آمریکای شمالی) تمرکز می‌کند. این ارزیابی‌های تأثیرات در سطح شهری ممکن است اقتضا کند که برنامه‌های رایانه‌ای کمی‌ساز چندگانه به کار گرفته شوند. این ارزیابی‌ها در سطوح محلی‌تر معمولاً شکل مطالعات موردی کمی و کیفی، بررسی تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به خود می‌گیرند.

مفهوم ارزیابی تأثیرات شهری، همچون ارزیابی تأثیرات اجتماعی در کل، مشتق از مباحثات سیاسی گسترده‌تری است. این مسئله گسترده‌تر در ارزیابی تأثیرات اجتماعی عبارت است از الزام به نگهداشت کیفیت زندگی در مواقع تغییر و استرس اجتماعی و در ارزیابی تأثیرات شهری عبارت است از سرنوشت شهرهای صنعتی قدیمی‌تر.

ارزیابی تأثیرات انباشتی

تنها با مروری اجمالی بر افق ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌توان دریافت که گاهی ارزیابی‌های تأثیرات پروژه محور برای ارائه تصویری کامل و صحیح از یک منطقه که در آن چندین پروژه و زیرساخت‌های مرتبط با آنها در حال گسترش‌اند، کافی نیستند. برای مثال در شمال کانادا، حفاری در دریا برای استخراج نفت و گاز با احداث ترمینال‌ها، جاده‌ها، کشتی‌سازی‌ها، فرودگاه‌ها، بزرگراه‌ها، خطوط لوله و اجتماعات بسیار گسترده همراه بوده است. هیچ ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه محوری نمی‌تواند ماهیت تغییرات شدید اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی را که در همچون جایی اتفاق می‌افتد، به شکلی دقیق تعیین کند.

چشم‌انداز انباشتی در انا، تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی چند پروژه صنعتی ساز (یا صنعتی زدا) را در یک منطقه با توجه به آثار متقابلشان بر یکدیگر طی زمان مورد ملاحظه قرار می‌دهد. مجموع این آثار احتمالاً بیش از جمع اثر تک‌تک این پروژه‌ها خواهد بود. یعنی تأثیرات وقتی با یکدیگر همراه می‌شوند، ممکن است نوعی اثر اضافی داشته باشند. بسیاری از تأثیرات کوچک محلی وقتی با یکدیگر همراه می‌شوند، ممکن است اثری عظیم داشته باشند. رویکرد ارزیابی انباشتی نه به آسانی تن به مفهوم‌سازی می‌دهد و نه به آسانی قابل اجراست. ارزیابی انباشتی تغییر، حداقل با پنج حوزه گسترده مسائل مرتبط است. این حوزه‌ها عبارتند از:

مقیاس جغرافیایی ارزیابی سنتی تر تأثیرات

زمان بندی فرآیند ارزیابی

مشکل سنجش تأثیرات ناملموس

سازمان دهی ساختاری برنامه ارزیابی تأثیرات

نیاز به اثبات اهمیت این نوع پژوهش

در حقیقت ارزیابی تأثیرات انباشتی به معنی دانستن پاسخ این پرسش است که شاکله اصلی یک فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک، منطقه‌ای یا مادرشهری، چه باید باشد.

پایش تأثیرات

هیچ تعریف ساده و حاضر و آماده‌ای از پایش^۱ وجود ندارد. تعریف خود واژه «پایش» از منبعی به منبع دیگر فرق می‌کند. فرهنگ لغت آکسفورد، پایش را «حفظ نظم» تعریف می‌کند؛ در حالی که تعریف فرهنگ لغت وبستر از آن چنین است: «مشاهده یا رصد کردن».

یکی از تعاریف مفید از پایش که می‌توان کار را با آن شروع نمود، عبارت است از: «فرآیند گردآوری منظم داده‌های مشتمل بر شاخص‌های کلیدی تأثیرات اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی». بی‌گمان مفهوم پایش، حاصل منطقی حرکت به سمت مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی است و همواره آن را نوعی ارزیابی

مداوم دانسته‌اند. با این حال میان ارزیابی تأثیرات و پایش، تفاوتی وجود دارد: اولی بر اساس تجربه‌های به‌دست‌آمده از موقعیت‌های مشابه و استفاده از داده‌ها به پیش‌بینی تأثیرات در آینده می‌پردازد، در حالی که دومی، رویدادهای عملی را - که به همان شکلی که اتفاق افتاده‌اند سنجیده و تحلیل شده‌اند - مشاهده یا گزارش می‌کند.

پایش، گردآوری منظم و سازمان‌دهی اطلاعاتی است که قرار است در بهبود فرآیند تصمیم‌گیری به کار رود؛ حالا یا به طور غیر مستقیم از راه اطلاع‌رسانی به عموم یا به طور مستقیم به عنوان نوعی ابزار بازخوردی طراحی شده برای مدیریت پروژه، ارزیابی برنامه یا توسعه سیاست‌گذاری. پایش به سازمان کمک می‌کند تا سیاست‌ها و تصمیم‌های خود را در قبال فرصت‌های جدید و تغییرات پیش‌بینی نشده در محیط تصمیم‌گیری، حساس و پذیرا نگه دارد. بنابراین پایش را می‌توان به عنوان شاکل مهم برنامه‌ریزی ادواری، طرح برنامه، اجرا، فرآیند ارزیابی و برنامه‌ریزی مجدد نگریست که می‌تواند سه کارکرد سازمانی داشته باشد:

پایش، ما را نسبت به جایگاه مسائل بحرانی یا در حال تغییر در فضای سیاست‌گذاری روشن می‌کند؛ یعنی مسائلی که احتمالاً در آینده مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.

پایش می‌تواند به ما کمک کند تا از راه بازخوردگیری درباره موفقیت یا شکست نسبی اقدامات پیشین در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها، محیط خود را مدیریت کنیم. پایش را می‌توان برای آزمون میزان پیروی از مقررات و توافقات مربوط به قراردادهای به کار برد.

سخن آخر درباره پایش اینکه باید پرسید: چه کسی مخاطب پایش به‌ویژه اشکال گسترده‌تر و استراتژیک‌تر آن است؟ اولین مخاطب را می‌توان بر مبنای یک معیار نفع عمومی تعیین کرد: عموم جامعه و گروه‌های اجتماعی. این مطلب به‌ویژه درباره پایش تأثیرات انباشتی صادق است که باید به نحوی طراحی و منتشر شود که همه شهروندان یک منطقه بتوانند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حال وقوع در آن ناحیه را بهتر درک کنند. مخاطب دوم پایش عبارت است از فرد سیاست‌گذاری که باید مسائل معینی را که مستلزم راه‌حلی سیاست‌گذارانه‌اند، شناسایی کند و اطلاعات حاصل از برنامه پایشی را در قالب یک دستورالعمل برای تصمیم‌گیری سیاسی به کار برد. سومین مخاطب اطلاعات حاصل از برنامه پایشی، برنامه‌ریز دولتی است که می‌تواند این اطلاعات را به عنوان توجیه زمینه‌ای جایگاه تغییر در یک منطقه به کار برد یا از آن به عنوان علامت هشدار در یک نظام مدیریت پروژه استفاده کند. گروه چهارم مخاطبان اطلاعات حاصل از پایش عبارت است از گروه حامیان یا مجریان پروژه. ایشان به شکل مستقیم درگیر و علاقه‌مند به اشکال کمتر استراتژیک نظارت (به‌ویژه پایش مجوزی و توافقات اجتماعی - اقتصادی) هستند.

مسائل کلی در مشارکت عمومی

لورنس ترایب^۱ (۱۹۷۶) در مقاله‌ای درباره ارزیابی تأثیرات با عنوان «راه‌هایی برای فکر نکردن به درختان پلاستیکی»، این دیدگاه را اتخاذ می‌کند که فرآیند تصمیم‌گیری عمومی لااقل به اندازه خود نتایج اهمیت دارد. داده‌های اجتماعی عینی تنها وقتی واجد معنا می‌شوند که درباره آنها قضاوت‌های ارزشی به کار گرفته شود. به این ترتیب اولویت‌های عموم یا بخشی از آن به یکی از شاخه‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی بدل می‌شود.

فعالیت‌های معطوف به مشارکت عمومی بر سه نوع‌اند: نخست، عمومی‌سازی و آموزش یا به عبارت دیگر انتشار اطلاعات برای عموم. دوم، تأمین و ارتقای فرصت‌ها با هدف تعامل میان عموم و مسئولان سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی و سوم، گردآوری اطلاعات مفید برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی. علاوه بر این فعالیت‌های سه‌گانه، پنج بُعد مشارکت عمومی وجود دارد که باید آنها را در نظر گرفت: دامنه، مقیاس، اندازه، تعدد وقوع و میزان مستقیم بودن مشارکت.

اطلاعات گردآوری شده در نتیجه اعمال مشارکت عمومی را می‌توان لااقل به دو روش به کار برد. نخست اینکه برخی پژوهشگران استدلال می‌کنند که چنین اطلاعات ذهنی را که گاهی در واقع نظر کارشناس هستند، می‌توان برای ساخت یک طرح ضریب‌دهی ارزشی صریح که به نوبه خود می‌تواند درباره داده‌های عینی به کار رود، به طور مستقیم به کار برد. شیوه دوم عبارت است از استفاده از این اطلاعات به عنوان مکملی برای داده‌های عینی و فراهم آوردن این امکان برای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار که این دو نوع اطلاعات را با هم ترکیب کند.

سرانجام نقدی که اغلب به خود رویه‌های مشارکت وارد می‌شود این است که این رویه‌ها از پایه و اساس نخبه‌گرایانه‌اند؛ به این معنا که تنها بخش کوچک و ذی‌نفع جمعیت، خواهان مشارکت هستند. برای مثال در مسائل محیط‌زیستی، استدلالی که اغلب آورده می‌شود این است که سیاست‌هایی که وضع می‌شوند (برای مثال کاهش آلودگی صوتی و هوا، تسهیلات رفاهی و زیباسازی) به شکل بنیادی تنها به طبقه متوسط مربوط می‌شود. این مسئله نخبه‌گرایی، اهمیت این نکته را تقویت می‌کند که مدیران و تحلیلگران ارزیابی تأثیرات اجتماعی که می‌خواهند ارزش مشارکت را محقق کنند، باید به شکلی فعال سه فعالیت مشارکت عمومی را ارتقا دهند و این ارتقا شامل فراهم آوردن دسترسی معقول به اطلاعات در زمانی مفید در فرآیند برنامه‌ریزی است.

بررسی اولویت‌ها در فرآیند ارزیابی تأثیرات اجتماعی

در بحث مقدماتی درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی، به نقش قضاوت‌های ارزشی در فرآیند اتا اشاره شد. وقتی قضاوت‌های ارزشی رسمیت یافته باشند یا کمی‌سازی

شده باشند، گاهی می‌توان از آنها برای بیان سهم متفاوت یک عامل، آنطور که ادراک می‌شود، در مقایسه با سایر عوامل و کل فرآیند ارزیابی استفاده کرد. نقش بسیار مهم قضاوت‌های ارزشی در اتا روزبه‌روز بیشتر شناخته می‌شود. یکی از شیوه‌های تقسیم‌بندی و فهم قضاوت‌های ارزشی آن است که این پیشنهاد پذیرفته شود که آنها دو گونه هستند. شکل اول که کمتر از آن سخن می‌رود، قضاوت‌های ارزشی درونی ارزیابی تأثیرات اجتماعی است. به عبارت دیگر، ارزش‌های خودارزیاب (یا کارفرمایش) ممکن است اغلب به طور تلویحی و پنهان، ماهیت اتا را ساخت بخشد. این اتفاق اغلب زیر نقاب بی‌طرفی رخ می‌دهد. علاوه بر این ارزش‌های درونی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، گاهی یک مجموعه «ضرایب ارزشی»^۱ نیز پیشنهاد می‌شوند تا به عنوان بخشی از تحلیل ایجاد شوند و مورد استفاده قرار گیرند. ایجاد این ضرایب در واقع تلاشی است برای توضیح سهم متفاوت تأثیرات مختلف در کل ارزیابی.

ضرایب ارزشی به دو شکل ساخته می‌شوند: برآورد مبتنی بر اولویت‌های شهروندان و برآورد مبتنی بر نظر حرفه‌ای. ضریب‌دهی ارزشی بر مبنای اولویت شهروندان خود به دو شیوه انجام می‌شود: نخست با تحقیقی شبیه به آنچه اقتصاددانان «اولویت آشکار»^۲ می‌نامند و دوم و مهم‌تر از مورد نخست، با گسترش مشارکت شهروندان در فرآیند ارزیابی. ارزیابی تأثیرات اجتماعی اغلب از نظرات رهبران اجتماع در فرآیند گزارش‌نویسی و ارزیابی استفاده می‌کند. با این حال گاهی شاید ضرورت داشته باشد تا نظرات کارشناسان در حوزه‌های خاص در فرآیند اتا وارد شود. این کار به‌ویژه ممکن است در ارزیابی فن‌آوری یا آنجا که تحلیل خطرپذیری در اتا مهم است، ضرورت داشته باشد.

یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های گمانه‌زنی درباره احتمالات آینده، سناریونویسی است که اینگونه تعریف شده است: «فنی که می‌کوشد توالی منطقی رویدادها را به دست دهد تا نشان داده شود که یک وضعیت خاص در آینده با شروع از موقعیت کنونی (یا هر موقعیت معین دیگری) چگونه مرحله به مرحله تکوین می‌یابد». سناریونویسی در بهترین حالت، نوعی بررسی دقیق مسائل بسیار مهم در جامعه است با این امید که ماهیت هر نوع تغییر یا تأثیر مهمی که ممکن است اتفاق بیفتد، روشن شود.

روش معروف و محبوب دیگر عبارت است از روش دلفی که در دهه ۱۹۶۰، هلمر و دلکی در شرکت رند، آن را ساخته و پرداخته‌اند. دلفی به بیان هلمر عبارت است از: «روش منظم گردآوری نظرات یک گروه از کارشناسان از راه یک مجموعه پرسشنامه که در آن بازخورد نظرات گروه در هر دور پرسش به دست می‌آید و در عین حال کارشناسان

1 . Value coefficients
2 . Revealed Preference

ناشناس باقی می‌مانند». استفاده از روش دلفی وقتی پیشنهاد می‌شود که داده‌های عینی در دسترس نباشند و در عین حال این ضرورت وجود داشته باشد که طرحی از رویدادهای آینده پیش‌بینی شود تا بر پایه آن احتمال ذهنی، وقوع برخی رویدادها را برآورد نمایند و سطوح فعالیت را در آینده به شکلی ذهنی - ولی کمی - برآورد کرده، در نهایت عوامل جدیدی را که ممکن است وضعیت توسعه فن‌آوری یا اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند، شناسایی کنند.

انتقال نتایج ارزیابی تأثیرات اجتماعی

همه مسائل تحلیلی و روش‌شناختی در ارزیابی تأثیرات اجتماعی در برابر یک مسئله که در ادبیات اتم بسیار کم به آن پرداخته شده و در حوزه‌های دیگر نیز به ندرت مورد توجه قرار گرفته است، کوچک به نظر می‌رسد. این مسئله، مسئله انتقال و اطلاع‌رسانی نتایج تحلیل اجتماعی و محیط‌زیستی به شکلی قابل فهم و مفید به تصمیم‌گیرندگان، دیوان‌سالاران و گروه‌های ذی‌نفع است. بسیار اتفاق می‌افتد که پژوهشی برخوردار از استانداردهای بالای روش‌شناختی رد شود، نادیده گرفته شود یا بد فهمیده شود؛ زیرا زبان آن بیش از حد تخصصی، غیر قابل فهم یا بسیار طولانی و هم در رویکرد و هم در ارائه، بسیار محتاط است.

فقط در همین اواخر سازمان‌های سفارش‌دهنده یا تولیدکننده اتم و اتمز شروع به درک این نکته کرده‌اند که استفاده‌کنندگان بالقوه گزارش این ارزیابی‌ها ممکن است دانش پیش‌نیاز، اعتماد به نفس یا درک لازم برای استفاده مناسب از آن را نداشته باشند. این مشکل ارتباط برقرار کردن، انتقال اطلاعات یا استفاده از دانش، تنها در همین اواخر، کانون توجه تحقیقات قوی و منظم قرار گرفته است.

مطالعات موردی

تا به امروز اتم همواره رویکردی پروژه‌به‌پروژه و ویژه‌گرا داشته، با این مزیت آشکار که هر ارزیابی در حالت ایده‌آل به تناسب قامت نیازهای یک پروژه خاص دوخته می‌شود. با این حال برخی توصیه‌های عمومی برای تحلیل سیاست‌گذاری، در گزارش‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیز کاربرد دارند. برای مثال یک اتای خوب ممکن است شامل داده‌های عینی پایه باشند که در قالب یک چارچوب منظم (برای مثال چارچوب ماتریس دستیابی به اهداف) و با توجه به مسائل مهم، گرد آمده و مرتب شده‌اند. این داده‌ها در اصل باید تراکم‌زدایی شوند، ولی نه تا اندازه‌ای که آنقدر پیچیده شوند که به کار نیایند.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی را می‌توان به شیوه‌ای انجام داد و ارائه کرد که مباحثات عمومی را غنی‌تر سازد. البته این کار اغلب به زبان هرگونه راه‌حل قطعی تمام می‌شود. برای پیشبرد بهتر مباحث یادشده، نتایج تحلیل را بهتر است با اصطلاحاتی روشن و به شکلی قابل فهم برای همه طرف‌های درگیر و با ساختاری سلسله‌مراتبی

از اطلاعات که از خلاصه‌ای کلی شروع می‌شود و به داده‌های جزئی و روش‌شناسی می‌رسد و با محدود کردن اصطلاحات تخصصی به بخش ضمانت مفصل ارائه کرد. وقتی گزارش‌ها ارائه می‌شود، عموم، تصمیم‌گیرندگان و مشاوران آنها می‌توانند آن را در پرتو پرسش‌های زیر بررسی کنند:

این بررسی به طور دقیق سعی دارد به چه پرسش‌هایی پاسخ دهد؟ چه پرسش‌هایی را پاسخ داده است؟
اهداف پروژه یا پیشنهاد پروژه کدامند؟ این اهداف با چه ملاک‌هایی ارائه می‌شود؟

فرضیه‌های مندرج در بررسی کدامند؟ آیا این فرضیه‌ها آشکارند و صراحت دارند؟ چه گزینه‌هایی لحاظ شده‌اند؟ چه گزینه‌های دیگری می‌توانست لحاظ شود؟ آیا لحاظ کردن گزینه‌های دیگر، نتایج را تغییر می‌داد؟ آیا این گزینه‌ها بر مبنای دلایل خوبی رد شده یا در نظر گرفته نشده‌اند؟

آیا داده‌ها مترکم‌سازی شده‌اند؟ تا چه اندازه؟ آیا روشن است که با این سطح از مترکم‌سازی، چه چیزهایی ابهام پیدا کرده‌اند؟

آیا کسانی هستند که به احتمال، تحت تأثیرات پروژه قرار بگیرند، ولی در این تحلیل در نظر گرفته نشده باشند؟ اگر چنین است، چرا در نظر گرفته نشده‌اند؟ آیا آشکار است که ارزش‌های ذاتی و محدودیت‌های فنون کمی مورد استفاده در این گزارش‌ها کدامند؟

آنجا که نااطمینانی یا حاشیه خطای مشخص وجود دارد، آیا به روشنی بیان شده که نتایج یا پیشنهادها تا چه حد نسبت به این نااطمینانی یا خطا حساس هستند؟ آیا روی هم‌رفته نتایج با توجه به چستی پروژه پیشنهادی به قدر کافی مطلوب هستند؟ یعنی آیا این نتایج مسائل پیچیده را روشن می‌کنند؟

درباره تلفیق و مطالعات میان‌رشته‌ای

در هر پروژه بزرگی و با هر مسئله سیاست‌گذاری پیچیده‌ای، نیاز به تلفیق مجموعه متنوعی از اطلاعات وجود دارد: اطلاعات محیط‌زیستی، اجتماعی، اقتصادی، مهندسی و سایر انواع اطلاعات. این تلفیق نه تنها مستلزم فهم عوامل مهم اجتماعی، محیط‌زیستی، اقتصادی و فیزیکی است، بلکه ایجاب می‌کند که اهمیت و ارزش نسبی هر عامل در انتخاب یک بدیل بهتر تعیین شود. در نهایت البته باز مسئله انتخاب و تصمیم درباره چگونگی تلفیق و انتخاب در میان است و برخی افراد استدلال می‌کنند که بهترین کار این است که انجام چنین تلفیقی را به سیاست‌مداران واگذار نمایند. از سوی دیگر، «اضافه‌بار اطلاعاتی»^۱ خود می‌تواند برای تصمیم‌گیرنده، مشکلی جدی ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین و دشوارترین وظایف پژوهشگران عبارت است از کاهش اضافه‌بار اطلاعاتی از

راه افزایش تلفیق روش شناختی میان رشته‌ای و درون رشته‌ای. منظور از «چشم انداز بین رشته‌ای»^۱ در این کتاب عبارت است از نوعی دیدگاه از اساس یکپارچه شده نسبت به پژوهش یا عمل که از انواع رشته‌ها نشأت بگیرد. منظور از «رویکرد چندرشته‌ای»^۲ عبارت است از پژوهش‌های منفردی که بر اساس حوزه تخصصی خاص خود در زمینه مسئله مشترکی کار می‌کنند، ولی میان پژوهشگران دست‌اندرکار آنها، قدری رابطه متقابل وجود دارد. این موقعیت اغلب در تهیه گزارش ارزیابی پروژه پیش می‌آید. در سوی دیگر، «رویکرد میان رشته‌ای»^۳ قرار دارد که منظور از آن در این کتاب عبارت است از یک دیدگاه مشترک که زیربنای تحلیل‌های متنوع تشکیل دهنده یک ارزیابی باشد؛ یعنی یک چارچوب مشترک که بخش‌های مختلف یک ارزیابی را به شکلی منظم به هم پیوند می‌دهد. روسینی و پورتر (۱۹۷۹)، سه سطح تلفیق را شناسایی کرده‌اند:

تلفیق نوع یک، وقتی اتفاق می‌افتد که تحلیل‌های درون رشته‌ای مختلف به شکلی عقلانی سازمان یابند و به نحوی مناسب به معرفی تلاش‌های قبلی پرداخته، یافته‌های متناسب را ضمیمه کرده باشند.

تلفیق نوع دو، هنگامی واقع می‌شود که هر تحلیل درون رشته‌ای به مثابه یک ورودی اصلی در هر تحلیل درون رشته‌ای دیگر به کار رود.

تلفیق نوع سه، یک چارچوب نظری جامع را نیز شامل می‌شود که به منظور تلفیق شاخه‌های مختلف به کار می‌رود.

تلفیق یک مشکل عمده دارد و آن عبارت است از اینکه تلفیق مستلزم چشم اندازی کل گرایانه نسبت به مسائل سیاست گذاری است. از سوی دیگر، ساختارهای نهادی در نقطه مقابل چنین رویکردی قرار دارند. سیاست گذار معمولاً در مواجهه با مسائل سیاست گذاری، نوعی رویکرد «کند و آشفته» را به کار می‌برد و اغلب نیم‌نگاهی هم به انتخابات آتی دارد. دیوان سالاری به واحدهای کوچک رقیب خرد شده که هر کدام حیطة اختیار خود را دارد. در دانشگاه‌ها، پژوهش‌های تک رشته‌ای تشویق می‌شوند و پژوهش‌های میان رشته‌ای، خیر. سرانجام ارتباط ضعیف و حتی خصمانه میان کنشگران، آینده روشنی را برای چشم انداز میان رشته‌ای نوید نمی‌دهد. مهندسان و عالمان اجتماعی متأسفانه در دو دنیای کاملاً متفاوت سیر می‌کنند.

تحلیل هزینه-فایده و فنون مربوطه

تحلیل هزینه-فایده^۴ و شاخه‌های متعددش مانند «ماتریس دستیابی به اهداف»^۵ یا

- 1 . Cross-disciplinary Perspective
- 2 . Multi-disciplinary Approach
- 3 . Inter-disciplinary Approach
- 4 . Cost-benefit Analysis (CBA)
- 5 . Goal-Achievement Matrix

«ترازنامه برنامه‌ریزی»^۱ را می‌توان در مقوله عام‌تری با عنوان فنون هزینه-فایده گنجانند. مراحل‌ی که از پی‌می‌آیند، در همه این فنون مشترکند:

شناسایی برخی بدیل‌های ممکن برای پروژه

پیش‌بینی برون‌دادهای هر بدیل

ارزشگذاری این برون‌دادها با واحدهای مناسب (در اغلب موارد ارزش‌گذاری پولی)

انتخاب بدیل بر مبنای نوعی معیار تصمیم‌گیری مشخص

فهم تحلیل هزینه-فایده و فنون مربوط به آن برای هر پژوهشگر اجتماعی مطلع، اهمیت دارد. تحلیل هزینه-فایده و شاخه‌های آن هنوز هم مفیدترین فنون برآورد اقتصادی پروژه‌ها هستند و بسیاری از عالمان اجتماعی در حال حاضر اذعان دارند که این نوع تحلیل، نقشی مهم-هرچند محدود-در کمک به فرآیند تصمیم‌گیری ایفا می‌کند. شناخت حوزه تحلیل هزینه-فایده نیز اهمیت دارد، زیرا بسیاری از مسائل مفهومی ارزیابی پروژه به طور مفصل در ادبیات این تحلیل مورد بحث قرار گرفته‌اند. فهم جامع مزایا و محدودیت‌های فنون هزینه-فایده در هر ارزیابی پروژه‌ای، بسیار ارزشمند است و می‌تواند پژوهشگر اتا را در ارائه ترکیبی خلاق از رویکردهای هزینه-فایده، اتز و اتا، توانا تر کند.

تحلیل هزینه-فایده، روشی است برای ارزیابی میزان مطلوبیت پروژه‌های احتمالی و مشتمل است بر «احصا و ارزش‌گذاری»^۲ پولی همه هزینه‌ها و فایده‌های مربوطه، صرف‌نظر از زمان وقوع و اشخاص درگیر. بیشترین موارد استفاده از تحلیل هزینه-فایده به ترتیب عبارتند از: ارزیابی اینکه آیا یک پروژه برای کل جامعه، برگشت خالص دارد یا نه؛ ارزیابی وسایل بدیل رسیدن به یک هدف مشخص. برای مثال انتخاب شیوه حمل و نقل یا محل استقرار یک مسیر حمل‌ونقل معین، وقتی درباره حمل و نقل تصمیم گرفته می‌شود.

از تحلیل هزینه-فایده بسیار انتقاد شده است. انتقادات در درجه اول مربوط می‌شوند به دشواری‌های ارزش‌گذاری کمی هزینه‌ها و فایده‌ها و مسئله هزینه‌ها و فایده‌های غیر قابل کمی‌سازی و ناملموس. مسائل این حوزه موجب ظهور و گسترش اتا و اتز شد. در درجه دوم، انتقادهایی قرار دارد که به مسئله توزیع فایده و هزینه، درآمد و آثار اشتغال در بخش‌های مختلف جمعیتی جامعه می‌پردازند. در درجه سوم، انتقادهایی است که به مسائل عملی و نظری مرتبط با انبوهش مربوط می‌شوند. این مسائل عبارتند از: ضریب‌دهی^۳ و تجمیع سنج‌های گوناگون در یک تحلیل برای رسیدن به یک تصویر جامع و کامل. این سه نوع انتقاد موجب ظهور شاخه‌های مختلف تجدیدنظرطلب در حوزه تحلیل هزینه-فایده شده‌اند. این فنون را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مرکب از فونونی است که عموماً از

1. Planning Balance Sheet

2. Enumeration and valuation

3. Value-weighting

ضربدهی و انبوهش دوری می کنند و آنها را می توان «فنون غیر انبوهشی^۱» نامید. گروه دوم مشتمل است بر فنونی که فعالانه مشارکت پژوهشگر را در ضربدهی و ارزشیابی تقویت می کنند. این فنون همان فنون انبوهشی هستند.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ارزیابی تأثیرات محیط زیستی

تا به حال پنجاه روش مختلف برای بررسی تأثیرات محیط زیستی شناسایی شده اند. این انواع هرچند کاملاً متمایز از یکدیگر نیستند، در تفکیک رویکردهای بسیاری که نسبت به اتز وجود دارد، مفید هستند. برخی از این رویکردها، ارزیابی تأثیرات اجتماعی را بخش جدایی ناپذیر اتز می دانند؛ ولی خطری که این تصور به همراه دارد این است که ممکن است منجر به برخورد بسیار سطحی با جنبه های اجتماعی - اقتصادی یک پروژه شود.

درک محیط زیستی و اولویت های بصری

درک محیط زیستی و اولویت های بصری افراد، عناصر مهمی در ارزیابی تأثیرات اجتماعی - محیط زیستی هستند. مطالعات اولویت های بصری معمولاً به هیچ شکل رسمی در اتا گنجانده نمی شوند؛ شاید به این دلیل که چنین پژوهشی اغلب بخشی از مطالعات تأثیرات محیط زیستی تلقی می شود. در هر رویداد و در بسیاری از تأثیرات، برقراری تمایزی قاطع مبنی بر اینکه چه چیز، اجتماعی و چه چیز، محیط زیستی است، امری دشوار است و ممکن است ضرورتی هم نداشته باشد. آنچه اهمیت دارد، شناخت تأثیرات اجتماعی بالقوه بزرگ تغییرات در محیط زیست بصری و به ویژه درک اجتماعی - سیاسی افراد از این تغییرات است.

بسیاری از پروژه های توسعه ای که مستلزم اتز یا اتا هستند - برای مثال خطوط مخابرات، معادن ذغال سنگ و نیروگاه های برق - تأثیرات بصری شدیدی دارند. با این حال این تأثیرات، بسیار پیچیده تر از آثار سرراست حاصل از انسداد بصری^۲ است و تحلیل آنها نیز احتمالاً مستلزم فهم جنبه های روان شناختی و نمادین محیط زیست است.

پیش بینی اجتماعی: ارزیابی فن آوری و ارزیابی تأثیرات اجتماعی

ارزیابی تأثیرات اجتماعی، نوعی پیش بینی اجتماعی عملی پروژه محور است. آینده پژوهی نیز نوعی پیش بینی اجتماعی است، ولی نوعی که می کوشد با استفاده از فنون کمی و کیفی، بصیرت های بدیل ممکن یا سناریو هایی از آینده نظام ها و خرده نظام های جامعه ای ارائه دهد (برای مثال نظام آموزشی در آینده). ارزیابی فن آوری^۳ تا آنجا که با تأثیرات غیر مستقیم یا

1. Non-aggregating Techniques
2. Visual Blockage
3. Technology Assessment (TA)

ناخواسته یک فن آوری جدید بر جامعه سروکار دارد، تقریباً جایی بین ارزیابی تأثیرات اجتماعی و آینده‌پژوهی قرار می‌گیرد (برای مثال تأثیر فن آوری انرژی جایگزین).

سه نوع فن پیش‌بینی اجتماعی را می‌توان مشخص کرد: تخمین روند، کیفی و الگوسازی پویا. تخمین روند، نوعی پیش‌بینی اجتماعی همیشه کمی است که الگوها و تغییرات الگوها را بر مبنای داده‌های سری زمانی تاریخی برآورد می‌کند. پژوهش کیفی اغلب زمانی انجام می‌شود که داده‌های عینی چندانی وجود ندارد. رویکرد الگوسازی پویا، رویکردی کمی است و روابط میان متغیرهای یک نظام معین را به زبان ریاضی بیان می‌کند. این الگوسازی به پیش‌بینی یک یا چند رویداد در آینده منجر می‌شود و در آن اغلب به جای آنکه فقط تخمین روند صورت گیرد، به هر رویداد، یک احتمال وقوع نسبت داده می‌شود. فنون پیش‌بینی اجتماعی دست‌کم چهار بُعد دارند: بخش عملیاتی که در آن پیش‌بینی صورت می‌گیرد؛ پیش‌بینی فن آوران، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی و...

دامنه تخمین (کوتاه مدت، میان مدت یا بلند مدت)

فن خاصی که انتخاب می‌شود. این انتخاب تاحدی بر مبنای دو بُعد قبلی صورت می‌گیرد. آثار بازتابی پیش‌بینی که در آن پیش‌بینی‌ها بازتاب ایستارها و ارزش‌ها هستند و بر آنها تأثیر می‌گذارند و شاید حتی به صورت نوعی پیش‌گویی خودمحقق‌ساز^۲ عمل کنند. خطر رایجی که در ارزیابی فن آوری وجود دارد، عبارت است از ارزشیابی فن آوران^۱ یک فن آوری و نه ارزشیابی اجتماعی - سیاسی آن. نوآوری فن آوران و تأثیرات اقتصادی آن ممکن است تأثیرات اجتماعی شدیدی (مانند بیکاری) بسیار بدتر از تأثیرات اصلی داشته باشند.

ارزیابی خطرپذیری (ریسک)

حوزه ارزیابی خطرپذیری می‌کوشد تا خطرات ناشی از فن آوری مدرن را کمی‌سازی کند، آنها را با یکدیگر مقایسه کند و به وضع سیاست‌های ملی برای مواجهه با آنها کمک کند. فنون این حوزه، گاهی بیش از حد پیچیده و ریاضیاتی‌اند، ولی نتایج نه. ارزیابی خطرپذیری، تلاش‌های عالمان فیزیک، طبیعی و اجتماعی را ترکیب می‌کند تا خطرات را شناسایی کند و بسامد و بزرگی تأثیرات آنها را بسنجد و به این ترتیب به فرآیند تصمیم‌گیری کمک کند و به مباحثات سیاسی آگاهی بخشد. این ارزیابی اغلب بخش مهمی از ارزیابی محیط‌زیستی یا فن آوری است.

ارآی‌ردن^۳ (۱۹۷۹) برای مدیریت خطرپذیری محیط‌زیستی / اجتماعی، چهار کارکرد تشخیص داده است. اولین کارکرد یعنی شناسایی خطرپذیری عبارت است از فعالیت کشف و تعریف خطرپذیری‌های مرتبط با یک پروژه. کارکرد دوم یعنی برآورد خطرپذیری، مشتمل است بر الگوسازی از علت‌ها و مسیرهای خطرپذیری و پیش‌بینی

1. Trend Extrapolative
2. Self-fulfilling Prophecies
3. O'Riordan

زمان و مکان تأثیرات محتمل. کارکرد سوم مدیریت خطرپذیری، مشتمل است بر قضاوت اجتماعی درباره سطوح قابل قبول خطرپذیری و موازنه این خطرپذیری‌ها با دستاوردهای اجتماعی ادراک‌شده یا برآوردشده. این کارکرد، وجه سیاسی گریزناپذیر ارزیابی خطرپذیری است. آخرین کارکرد، یعنی کنترل خطرپذیری مشتمل است بر استانداردهاسازی، پایش دررفت‌ها^۱ و سطوح آلاینده‌های محیطی، اعمال مقررات و دستورالعمل‌ها و نظارت مجدد بر این فعالیت‌ها.

در ادبیات ارزیابی خطرپذیری معمولاً بین خطرپذیری خالص^۲، خطرپذیری ناخالص^۳ و نااطمینانی^۴، تمایز قائل می‌شوند. ارزیابی خطرپذیری خالص مشتمل است بر تحلیل حجم عظیمی از داده‌های مربوط به وقوع برخی رویدادها در گذشته که توانایی محاسبه احتمال وقوع رویدادهای مشابه در آینده را به پژوهشگر می‌دهد. ارزیابی خطرپذیری ناخالص مشتمل است بر برآورد احتمال وقوع توسط کارشناسان و ابزار فنی. این نوع ارزیابی خطرپذیری اغلب زمانی انجام می‌شود که درباره رویدادهای گذشته، داده‌های زیادی در دسترس نیست. سرانجام نااطمینانی معمولاً به معنای ندانستن توزیع دقیق احتمال رویدادهای آینده، یا حتی آگاهی نداشتن از ماهیت خود رویدادهای آینده است.

تحلیل تصمیم‌گیری

هدف معمول در تحلیل تصمیم‌گیری، کمک به سیاست‌گذار برای رتبه‌بندی بدیل‌های پروژه بر اساس معیارهای مختلف فایده است. تحلیل تصمیم‌گیری را به خاطر ویژگی‌های بسیار مسائل سیاست‌گذاری، گاهی «تحلیل چند-ویژگی^۵» می‌نامند. این تحلیل به دلیل معیارهای متعدد و اغلب متعارضی که برای قضاوت گزینه‌های بدیل در سیاست‌گذاری به کار می‌رود، گاهی نیز «تحلیل چند-معیاری^۶» خوانده می‌شود. برخلاف تحلیل هزینه-فایده، تحلیل تصمیم‌گیری در پی آن نیست که برای تحلیل، یک مخرج مشترک پولی پیدا کند؛ بلکه می‌خواهد ابعاد مرتبط (یا ویژگی‌های مرتبط) بدیل‌ها را انتخاب و هر بدیل را از حیث هر بُعد ارزشیابی کند. الگوی اصلی تحلیل تصمیم‌گیری شامل پنج مرحله است: مرحله اول عبارت است از پیش‌تحلیل که در آن مسئله شناسایی شده، راه‌های بدیل کارآمد ارائه می‌شود. در مرحله دوم، آناتومی مسئله در قالب یک درخت تصمیم‌گیری با «گره‌های تصمیم^۷» و «گره‌های شانس^۸» نشان داده می‌شود. این گره‌ها معرف نقاطی در زمان هستند که

1. Discharges
2. Pure Risk
3. Impure Risk
4. Uncertainty
5. Multi-attribute Analysis
6. Multi-criteria Analysis
7. Decision Nodes
8. Chance Nodes

در آنها: باید انتخاب صورت گیرد؛ رویدادهایی که تحت کنترل سیاست‌گذار نیستند، اتفاق خواهد افتاد؛ اطلاعات بیشتری در دسترس خواهد بود. مرحله سوم، نوعی تحلیل نااطمینانی است که در آن به شاخه‌های متعدد بیرون‌آمده از گره‌های شانس، احتمالاتی نسبت داده می‌شود. این احتمالات بر اساس الگوهای تصادفی^۱، نظر کارشناسان، نمونه‌گیری از نظر عموم یا ارزیابی ذهنی سیاست‌گذار استوارند. مرحله چهارم بر عهده سیاست‌گذار است که باید ارزش‌های مختلف فایده را از راه درخت تصمیم‌گیری به مسیرهای مختلف نسبت دهد. در مرحله پنجم، نوعی استراتژی اولیه تعیین می‌شود که نشان می‌دهد اولین گزینه در استراتژی تصمیم‌گیری چه باید باشد و چه گزینه‌ای می‌تواند در گره‌های تصمیم آینده انتخاب شود. جنبه‌های مهم فنون تحلیل تصمیم‌گیری عبارتند از:

در نظر گرفتن اطلاعات کمی و کیفی یا پولی و غیر پولی

ارزیابی ریسک و ضربدهی ارزشی یا بر مبنای یک تصمیم‌گیرنده منفرد، نظر کارشناس، اولویت‌های فردی گردآوری شده به وسیله نمونه‌گیری از نظر عموم مردم، یا بر اساس ترکیبی از اینها.

استفاده از مقیاس‌های عدد اصلی^۲ به منظور رتبه‌بندی بدیل‌ها برای رسیدن به فایده کل.

تأکید بر روش‌های منظم ریاضی برای انبوهش داده‌ها

آنچه تحلیل تصمیم‌گیری را منحصر به فرد می‌کند، عبارت است از توجه این تحلیل به رابطه میان اولویت‌ها و نااطمینانی. این مطلب یعنی نقطه قوت تحلیل تصمیم‌گیری - بیش از آنکه تمرکز بر مسیرهای بهینه باشد - عبارت است از کمک به آگاهی بخشی تصمیم‌گیرندگان و مدیران درباره مسائل نااطمینانی و اینکه این مسائل چگونه اولویت‌ها و شیوه مدیریتی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ارزیابی اجتماعی در کشورهای در حال توسعه

در آغاز این بحث، برخی ویژگی‌ها مهم ارزیابی اجتماعی در کشورهای در حال توسعه بیان می‌شود. اولین ویژگی اینکه در این کشورها، هیچ حوزه مخصوصی که «ارزیابی تأثیرات اجتماعی» نامیده شود، وجود ندارد. یعنی اتا به عنوان یک فعالیت مستقل تقریباً وجود ندارد، به جز پژوهش‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف یا ارزشیابی‌های بسیاری که دغدغه اجتماعی دارند که ویژگی عمده آنها، نوعی رویکرد سازماندهی اطلاعات است. دومین ویژگی عبارت است از اینکه بسیاری از مطالعات صورت گرفته در کشورهای در حال توسعه درباره ابعاد اجتماعی پروژه‌ها به خوبی انجام گرفته‌اند، ولی به صورت ناقص منتشر می‌شوند؛ به این معنا که این مطالعات بیشتر حالت گزارش دارند تا کتاب و مقاله. به همین دلیل، پژوهش‌های مهمی در این قسمت ممکن است از قلم بیفتند، زیرا نویسندگان حوزه اتا، آنها را نمی‌شناسند و ندیده‌اند.

1. Stochastic Models

2. Cardinal Scales

سومین ویژگی این است که انتشار یا خوانده شدن کتاب‌شناسی‌ها، کتاب‌ها و گزارش‌ها در کشورهای در حال توسعه معمولاً زمان بیشتری طول می‌کشد.

تفاوت‌های میان رویکردهای ارزیابی اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

این تفاوت‌ها عبارتند از:

اکثر پژوهش‌های اتا در کشورهای توسعه‌یافته می‌کوشند تا آثار منفی پروژه‌های بزرگ را بر اجتماع محلی و محیط زیست تحلیل کنند؛ یعنی دغدغه اصلی این پژوهش‌ها، جلوگیری از «عدم فایده» توسعه اقتصادی است.

اکثریت قریب به اتفاق ارزیابی‌های تأثیرات اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته بر این پیش‌فرض استوارند که جوامع یا فرآیندهای اجتماعی در حالت تعادل قرار دارند و بنابراین در آینده قابل پیش‌بینی، تنها تغییراتی کوچک، تدریجی یا حاشیه‌ای اتفاق خواهد افتاد. برخلاف این کشورها، ویژگی اصلی کشورهای در حال توسعه، وجود جامعه‌ای است با سطح بالایی بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی که تعادل در آن به‌ندرت وجود دارد.

فنون و روش‌های مورد استفاده در کشورهای توسعه‌یافته، وجود نوعی زیرساخت بنیادی را در رابطه با اطلاعات و منابع انسانی فرض می‌گیرد که معمولاً در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. برای مثال، یک سازمان آمار مرکزی که مسئولیت جمع‌آوری، پردازش و تحلیل داده‌ها را بر عهده داشته باشد، در کشورهای در حال توسعه معمولاً وجود ندارد؛ آنجا هم که وجود دارد، بیشتر درگیر آمار شاخص‌های ملی است تا پایش یا ارزشیابی وضعیت اجتماعی.

واردات کاربردی فن‌آوری‌ها و روش‌ها از جهان توسعه‌یافته است که همان‌گونه که انتظار می‌رود، ویژگی‌های خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهان در حال توسعه در آنها لحاظ نشده است.

تقریباً همه ارزیابی‌های اجتماعی و پایش انجام شده در کشورهای در حال توسعه از تحلیل نظام‌ها یا لایه‌ها از مفاهیم چنین رویکردی استفاده می‌کنند.

بیشتر رویکردهای ارزیابی تأثیرات اجتماعی و نیز ارزشیابی پروژه از تحلیل هزینه-فایده یا یکی از انواع آن استفاده می‌کنند.

بین رویکردهای اتا در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، شباهت‌های بسیاری نیز وجود دارد. یکی از این شباهت‌های قابل توجه عبارت است از چرخش علاقه از یک چارچوب ارزشیابی هزینه-فایده به شاخص‌های اجتماعی و ارزیابی محیط‌زیستی که به نوبه خود موجب آغاز ارزیابی‌های اجتماعی تری می‌شود.

رویکردهای عمومی به ارزیابی اجتماعی

در کشورهای در حال توسعه، مجموعه تصمیم‌های بخش عمومی، نه آنقدر سازمان‌یافته است و نه آنقدر ساختاریافته. در درجه نخست، این تصمیم‌ها اغلب بیشتر با ملاحظات کوتاه‌مدت تعیین می‌شود تا ملاحظات میان‌مدت یا بلندمدت. در درجه دوم، زیرساخت اطلاعاتی که معمولاً فرآیند تصمیم‌گیری را تغذیه می‌کند، وجود ندارد. در درجه سوم و بازگشت به همان موضوع دیدگاه‌های کوتاه‌مدت نسبت به سیاست‌گذاری‌ها، علائق سیاسی در اولویت قرار دارند و این امر لزوماً با اهداف آشکار اجتماعی سازگار نیست.

مطالعات هزینه-فایده

برای گسترش سریع استفاده از تحلیل هزینه-فایده در کشورهای در حال توسعه احتمالاً دو دلیل وجود دارد. اولین دلیل این واقعیت است که بانک‌های بین‌المللی یا سازمان‌های کمک بین‌المللی برای تأمین بودجه پروژه‌ها یا اعطای کمک به کشورهای در حال توسعه، آنها را ملزم به انجام تحلیل هزینه-فایده می‌کردند. دومین دلیل که به اندازه دلیل اول نافذ است، این است که دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه، اغلب در دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته تحصیل کرده بودند که در آنها، تحلیل هزینه-فایده بسیار محبوب بود. تحلیل هزینه-فایده همواره مجبور بوده تا بر مطالعه تأثیرات توزیعی پروژه‌های اجتماعی-اقتصادی تأکید کند. باید خاطر نشان کرد که در جهان در حال توسعه نیز همچون سایر کشورها درباره بسیاری از مسائل مرتبط با تحلیل هزینه-فایده، اجماعی وجود ندارد.

شاخص‌های اجتماعی

در جهان توسعه‌یافته، ادبیات شاخص‌های اجتماعی به سرعت در حال رشد است و در کشورهای در حال توسعه نیز روند مشابهی مشاهده شده است. در ابتدا حمایت از ایده ساخت نظام شاخص اجتماعی به این دلیل و با این انگیزه صورت گرفت که شاخص‌های اقتصادی سنتی برای شناخت ابعاد مختلف فرآیند توسعه کافی نبود. با این حال به مرور زمان، مجموعه‌ای از مسائل شبیه به مسائل کشورهای توسعه‌یافته در رابطه با تکوین شاخص‌های اجتماعی بروز کرد. برخی از این مسائل عبارت بودند از:

فقدان اجماع بر سر یک الگوی مفهومی برای فرآیند توسعه، ساخت نظام‌های اجتماعی را مختل می‌کرد.

شکست الگوهای مختلف برنامه‌ریزی که طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تکوین یافته بودند، بر تلاش برای سنجش جنبه‌های اجتماعی فرآیند توسعه، تأثیری منفی گذاشت.

معمولاً وقتی نظام‌های شاخص اجتماعی ایجاد می‌شدند، بسیار پیچیده و مستلزم حجم زیادی از اطلاعات بودند. سابقه فنی کاربران احتمالی چنین نظام‌هایی در کشورهای در حال توسعه اغلب محدود بود و اضافه‌بار اطلاعاتی نیز بر مشکل می‌افزود.

بسیاری از طرح‌هایی که برای شاخص‌های اجتماعی ارائه می‌شد، مشکلات مربوط به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را در کشورهای در حال توسعه نادیده می‌گرفت. پایایی اطلاعات نیز مشکل دیگری است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، نوعی سنت جمع‌آوری داده‌ها و گزارش اجتماعی وجود دارد، چنین چیزی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد.

ارزیابی فقر، نیازهای اساسی و کیفیت زندگی

در تعریف گسترده‌ای که در اینجا از اتا بازگو شده است، ارزیابی فقر، استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی بسیار اهمیت دارند. ارزیابی نیازهای اساسی یا استانداردهای مختلف زندگی در یک جامعه معین، به طور عام به برنامه‌ریزی و به طور خاص به شناسایی این مهم ربط دارد که کدام پروژه از حیث سرعت‌بخشی به فرآیند برآوردن نیازهای اساسی و یا کاهش تفاوت‌های ناعادلانه اجتماعی، تأثیر اجتماعی بیشتری دارد. در این حوزه، اختلافات نظری و روش‌شناختی بسیاری وجود دارد. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که برای تعریف خط فقر یا سطح برآوردن نیازهای اساسی، نوعی «ملاک عینی»^۱ وجود دارد. تقریباً همه برنامه‌ریزان و عالمان اجتماعی در کشورهای در حال توسعه معترفند که فقر، نیازهای اساسی، استانداردهای زندگی و غیره، مفاهیمی دستوری هستند که طبق فرهنگ، ادراکات اجتماعی، ارزش‌های سیاسی و سطوح توسعه متغیرند.

پایش محلی و توسعه روستایی

پیش‌تر، بسیاری از دشواری‌های کشورهای در حال توسعه در ارتباط با جمع‌آوری، پردازش و تحلیل داده‌ها بازگو شده است. یکی از مهم‌ترین دشواری‌ها در این کشورها عبارت است از تأخیر زمانی میان جمع‌آوری داده‌ها و انتشار آنها. به این مشکل باید مشکل انبوهش‌زدایی اطلاعات را نیز افزود. در واقع در کشورهای در حال توسعه معمولاً فقط اطلاعات ملی در دسترس هستند که این یعنی ارقام میانگین ملی ممکن است تفاوت‌های ناعادلانه محلی را از نظر مخفی کنند. تفاوت‌های ناعادلانه محلی دقیقاً جایی است که حادث‌ترین مسائل وجود دارد. آخرین مشکل و نه کم‌اهمیت‌ترین آنها این است که تجربه اخیر نشان داده که رشد اقتصادی اغلب با عدم تعادل شدید منطقه‌ای و محلی در توزیع مزایای رشد همراه است.

مسئله بسیار مهم دیگری که در سطح محلی وجود دارد، مربوط به استفاده‌ای است که از اطلاعات می‌شود. در کل، نظام‌های متعارف آماری، اطلاعاتی را فراهم نمی‌آورند

که برای استفاده اجتماعات محلی مناسب باشد (یعنی اطلاعاتی که ساده‌سازی شده باشد یا آسان و قابل فهم باشد). با این حال برخورداری از اطلاعات محلی انبوهش‌زدایی شده، یک مزیت است؛ زیرا بسیاری از مسائل در این سطح بهتر حل می‌شوند تا در سطح دیوان‌سالاری‌های متمرکز.

حتی هرچند اکثریت جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که در آنها فقر شایع است، روش‌شناسی ارزیابی اجتماعی-اقتصادی تأثیرات حاصل از برنامه‌های توسعه روستایی هنوز در حال تکوین است. بخش اعظم ارزیابی‌های توسعه روستایی عبارت است از گزارش سفر یا گزارش‌های پیش‌ارزیابانه مأموران نهادهای مالی بین‌المللی مثل بانک جهانی یا بانک توسعه اسلامی. در نتیجه اکثر تحلیل‌ها، اسناد منتشر نشده‌ای هستند به همراه توصیه‌هایی برای سرمایه‌گذاری که مخاطبانشان، هیأت مدیره بانک‌های مربوطه است.

ارزیابی اجتماع وضعیت آسیب‌پذیرترین گروه‌ها کودکان و زنان

فرآیند توسعه لزوماً به توزیع بهتر منابع اجتماعی-اقتصادی منجر نمی‌شود. به همین ترتیب بهبود وضعیت گروه‌های فقیرتر جامعه نیز به معنای بهبود وضعیت آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، یعنی کودکان و زنان نیست. همچنین این آگاهی وجود دارد که سطح درآمد زنان در خانواده به دلیل تأثیری که بر تغذیه و سلامت کودکان می‌گذارد، اهمیت دارد. سفیلیوس-راشیلدا^۱ (۱۹۸۱)، نوعی جهت‌گیری برای اتا پیشنهاد می‌کند که ارجاع ویژه‌ای به زنان دارد و در آن بر متغیرهای جنس و سن تأکید می‌شود. او می‌گوید که اتا باید به چهار هدف مهم دست یابد:

ارزیابی نابرابری‌های جنسی و اجتماعی در سطح اجتماع محلی و خانوار از همان ابتدا پیش‌بینی و دوراندیشی درباره تأثیرات بالقوه نامطلوب و ناخواسته پروژه توسعه‌ای احتمالی برای زنان

پایش میزان مزایایی که از اجرای یک پروژه به زنان کم‌درآمد می‌رسد و اگر نمی‌رسد، دلیل نابرخورداری زنان از این مزایا

پایش میزان حفظ، تقویت یا کاهش نابرابری‌های جنسی، طبقاتی و سنی در سطح خانوار و اجتماع محلی

آنچه از مطالعه این کتاب درک می‌شود، پرداختن به موضوعاتی است که در ارتباط تنگاتنگ با ارزیابی تأثیرات اجتماعی قرار دارند و برای این نوع ارزیابی مهم هستند. موضوعاتی که بدون دانستن آنها، انجام یک ارزیابی خوب، ناممکن به نظر می‌رسد. عناوین مطرح‌شده در واقع مقدمه‌هایی هستند بر موضوعات جالب و متنوعی که هر کدام از آنها، ادبیات عمیق خود را دارد و هدف از طرح آنها -بیشتر- آگاه ساختن غیر کارشناسان با حوزه‌های یادشده و رمزگشایی و رفع ابهام از مسائلی

1. Saifins-Rothschild

است که آگاهی از آنها در یک مطالعه و پژوهش میان‌رشته‌ای، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت

۱. فرآیند جمع‌آوری و همگذاری داده‌ها از دو یا چند منبع.
۲. طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل به‌منظور جداسازی داده‌های اجتماعی و اقتصادی بر اساس شاخص‌هایی چون: سن، جنسیت و...